جلسه 55 88-87

مکاسب محرمه / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه‌ای از مباحث پیشین

در مبحث حفظ کتب ضلال هم به قرآن و هم به روایات وهم به حکم عقل بر حرمت حفظ کتب ضلال با قطع نظر از جهات ثانوی آن استدلال شده است که اولین آیه‌ای که مورد بررسی قرار گرفت آیه شش سوره لقمان بود که نتیجه مباحثی که در ذیل آیه مورد بررسی این بود که آیه دلالت بر حرمت اضلال غیر چه در مباحث اخلاقی و چه در مباحث اعتقادی می‌کند و هر عملی که مصداق اضلال قرار گیرد حرام است و حفظ کتب ضلال هم اگر مصداق اضلال غیر شود حرام است و الا طبق این آیه یک حرمت ذاتی مستقل و نفسی ندارد.

دلیل دوم بر حفظ کتب ضلال آیه سی سوره حج

اما آيه دوم که در اين بحث بر آن استدلال شده است آیه «**ذلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ أُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعامُ إِلاَّ ما يُتْلى‏ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّور**» (حج/30) می‌باشد که بر فراز انتهایی آیه که اجتناب از قول زور است استدلال شده است.

ارتباط بین فرازهای آیه

علامه طباطبایی عبارت «**فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ و....**» را با فراز قبلی آیه «**أُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعامُ»**و آیات قبلی اینگونه ارتباط داده است که آیات قبل در مورد حج و قربانی کردن در موسم حج است و چون مرسوم بوده است که هنگام قربانی نام بت‌ها را می‌بردند و با نام آن‌ها قربانی را ذبح می‌کردند آیه می‌فرماید از رجس که بت‌ها باشند و سخن باطل اجتناب کنید و ارتباط آن با فراز قبلی این است که تسمیه به بت‌ها عند الذبح مصداق قول زور و سخن باطل است و از آن اجتناب کنید. بنابراين ارتباط اين بحث با آيات قبلي در همين بحث ذبح است.

بیان استدلال به آیه

آن چه که مورد استشهاد فقها مانند صاحب جواهر و شیخ قرار گرفته است این فراز از آیه است که می‌فرماید «**وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّور**»که زور به معناي باطل است و قول زور، قولي است که ناشي از باطل و ناصحیح باشد. و از هر قول زور که یکی از مصادیق آن تسمیه به بت‌ها عند الذبح می‌باشد، باید اجتناب کرد البته مراد از قول زور تنها کلام و سخن گفتاری نیست بلکه شامل سخن مکتوب هم می‌شود و از کتابی که مشتمل بر امور ناصحیح است نیز باید اجتناب کرد که عدم حفظ و نگهداری هم مصداق اجتناب است. البته ناگفته نماند که دلالت این آیه بر حرمت حفظ کتب ضلال مورد پذیرش همه فقها نیست.

نکات و جهات قابل‌بحث در آیه

نکته اول تفاوت حکم مستفاد از این آیه با آیه شش سوره لقمان

اولين نکته و بحثی که باید به آن توجه داشت تفاوت حکم مستفاد از این آیه با حکم مستفاد از آیه «**وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَري لَهْوَ الْحَديثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ مُهين**» (لقمان/6) می باشد هر چند این دو حکم ارتباط نزدیکی باهم دارند اما در تعبیر باهم تفاوت دارند حکم مستفاد از سوره لقمان حکم تحریمی است یعنی طبق این آیه اشترا لهو و حفظ کتب ضلال حرام است به خلاف آیه سی سوره حج که بیانش بیان وجوبی است یعنی اجتناب از قول زور و کتب ضلال را واجب می‌داند البته بر فرض تمام بودن این دو حکم بعید است که بتوان گفت حقیقتاً دو حکم نفسی در اینجا وجود دارد بلکه باید گفت یکی اصلی و دیگری تبعی است.

نکته دوم الزامی بودن حکم مستفاد آیه

به دو دلیل حکمی که در آیه آمده است حکم الزامی و وجوبی است.

1. دلیل اول ظهور امر اجتنبوا در وجوب است
2. دلیل دوم این است که سیاق آیه یک سیاق الزامی است هم عبارت «**فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ**»و هم عبارت «**وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ»** که در آیه آمده است بیان یک امر لزومی است بنابراين حکمي که در آيه آمده است ظهور در حکم الزامي نفسی دارد

نکته سوم معانی محتمل در کلمه اجتنبوا

نکته و جهت مهمی که در ذیل آیه باید به آن پرداخته شود معنا و مفهوم کلمه اجتناب و دامنه دلالت آن می‌باشد در مفهوم واژه اجتناب دو احتمال وجود دارد که استدلال بر آیه در صورتی صحیح است که احتمال دوم مراد باشد.

احتمال اول: ترک عمل

احتمال اول این است که اجتناب به معنای ترک عمل باشد و در حقيقت کاربرد واژه اجتناب در آیه یک کاربرد تأکيدي است و الا می‌توانست بگويد لاتقولوا قولا زوراً و یا لاتکذبوا منتهي وقتي به صورت اجتنبوا آورده است تا بر آن تاکید کند،زیاده المباني تدل علي زياد ة المعاني ولي مفهوم و معني ترک عمل است منتهی با تاکید بر آن مطلب. وجه این احتمال هم عدم ظهور و عدم فهم و ارتکاز عرفی در بیش از این معنا می‌باشد همان طور که متفاهم عرفی در فراز قبلی آیه اجتناب مطلق نیست بلکه ظاهر این است که باید از بت‌ها در اموری که مربوط به عبودیت است مانند پرستش و تسمیه عندالذبح اجتناب کرد.

احتمال دوم: ابتعاد به نحو مطلق

احتمال دوم که اوسع از احتمال اول است این است مقصود از اجتناب، صرف ترک العمل نیست بلکه ابتعاد عن الشيء به نحو مطلق باشد و صرف نگفتن قول زور نیست بلکه از هر ارتباطی که با قول زور مرتبط است باید اجتناب کرد وجه این احتمال این قاعده است که می‌گوید ترک متعلق دليل بر عموم است یعنی وقتی اجتناب را در آیه بدون ذکر متعلق آن بکار برده دلالت بر عام بودن معنای آن دارد و مراد مطلق اجتناب است.

ارتباط معنای اجتناب بامعنای واژه قول در آیه

هرچند ظهور و ارتکاز عرفی احتمال اول را تقویت می‌کند اما در اینکه کدام احتمال در مورد آیه صحیح است بستگی به این دارد که ما از قول معنای مصدری آن را اراده کنیم و یا معنای اسم مصدری آن را. اگر قول را به معنای مصدری آن گرفتیم یعنی گفتن متفاهم عرفی این است که مراد ترک عمل است ولی اگر قول را به معنای اسم مصدری یا مقول گرفتیم احتمال دوم وجهی پیدا می‌کند.

نکته چهارم معانی محتمل در واژه قول

نکته و جهت چهارمی که در ذیل آيه شريفه باید مورد بررسی قرار گیرد معنا و مفهوم کلمه قول در آیه است در مفهوم کلمه قول چهار احتمال وجود دارد.

1. قول به معنای مصدری باشد یعنی گفتن.
2. قول به معنای اسم مصدری «حاصل گفتن» باشد.
3. قول مصدر به معنای اسم مفعول باشد.
4. معنای قول را در احتمالات دوم و سوم به کتاب و مکتوب هم سرایت دهیم.

شرط صحت استدلال به آیه

اگر قول را به معنای مصدری بگیریم معنای آیه اجتناب از گفتن می‌شود و نمی‌توان به این آیه بر حرمت حفظ کتب ضلال استدلال کرد اما اگر احتمال چهارم را پذیرفتیم می‌توان بر حرمت حفظ کتب ضلال به آیه استدلال کرد.

 دیدگاه استاد: پذیرش معنای مصدری قول

در محل بحث دو سؤال مطرح است سؤال اول اینکه قول به معنای مصدری که احتمال اول است یا به معنای احتمال دوم و سوم که تفاوت چندانی ندارد؟ و سؤال دومی که مطرح است بنابر اینکه احتمال دوم و سوم مراد باشد آیا شامل کتاب و امور مکتوب هم می‌شود یا خیر؟ در جواب سؤال دوم و بر فرض پذیرش این احتمال باید گفت یا به شمول لفظی و یا شمول مناطی و الغا خصوصیت قول زور شامل کتاب و امور مکتوب هم می‌شود اما در جواب سؤال اول باید گفت که عبارت ظهور در معنای مصدری دارد و معنای آیه ترک عمل و گفتن است بنابراین استدلال به آیه بر حرمت حفظ کتب ضلال صحیح نیست.

نکته پنجم در مفهوم و معنای کلمه زور

نکته و جهت پنجمی که در آیه مطرح است در معنا و مفهوم شناسی کلمه زور است کلمه زور در لغت در دو معنا و اصل بکار رفته است.

1. به معنای اعلی الصدر و بالای سینه است و وقتی میگوییم شخصی به زیارت شخصی رفت یعنی با او روبه‌رو شد.
2. و معنای دیگر آن هم به معنی میل و انحراف است و مقصود انحراف از راه حق و مسیر درست است.

کلمه زور در آيات و سوره‌ای دیگر نیز مانند آیه 72 سوره فرقان و آیه 2 سوره مجادله آمده است

و سؤالی که در مفهوم شناسی کلمه زور در آیه مطرح این است که مراد از زور مطلق امر باطل و میل از حق است و یا اینکه مراد هر امر باطلی نیست بلکه مراد امر باطل به نحو حرام است؟